

دهان گشوده و چشمان بسته اردوغان!



خوی قلدری، توهم خودبرتربینی ناشی از شخصیت دیکتاتورمابی اردوغان، سبب شده وی به جای پرداختن به خویش، فرافکنی نموده و علناً اظهاراتی را نماید که بیشتر در نزد مردم ترکیه و جهانیان رسوا گردد. کیست که نداند اردوغان خود هم اصلی ترین حامی داعش و هم متجاوز به حاکمیت ملی سوریه و عراق بوده و می باشد.

به گزارش آران نیوز به نقل از دیپلماسی ایرانی، صادق ملکی، کارشناس و تحلیلگر ارشد سیاسی در یادداشتی نوشت: پیش‌بینی می‌گردد که اردوغان برای جبران شکست‌هایش بیشتر به ایجاد بحران در روابط با ایران بپردازد.

سیاستمدارانی که در قامت رهبران کشورها ظاهر می‌شوند باید با چشمانی باز و عقل و خرد برای هر کلامی که از دهانشان خارج می‌شود نه یکبار بلکه چندین بار فکر کرده و پس از آن سخن بگویند. اگر جز این باشد آن مسند برای آنان بزرگ بوده و نتایج سخن آنان بحران و چالش خواهد بود.

اردوغان باز دهان گشوده و با چشم بسته برای پوشش ضعف خود در سیاست داخلی و خارجی اتهامی را که بیش از همه خود شایسته آن است را به ایران وارد نموده است.

اردوغان در اظهاراتی جدید ضمن مقصر جلوه دادن ایران در کشته شدن مردم سوریه عنوان کرده است: «تهران باید نیروهای خود را از یمن، سوریه و عراق خارج و به حاکمیت و استقلال کشورها احترام بگذارد.» وی در همین اظهارات از حمله عربستان به یمن حمایت و از احتمال کمک لجستیکی ترکیه از ریاض خبر داده است. اردوغان در ادامه اظهارات

اعلام داشته جایگزین شدن به جای داعش، هدف ایران در مبارزه با این گروه تروریستی است. شهادت شیخ نمر، به فاصله اندکی پس از سفر اردوغان به ریاض، امری قابل تعمق بود. حمایت آنکارا از حمله ریاض به یمن در کنار ملاحظات مختلف، نوعی قدردانی ترکیه از عربستانی است که سبب به حاشیه راندن بحران روسیه و ترکیه شده و بحران تهران-ریاض را به خبر اول منطقه تبدیل کرد.

اما در ارزیابی کلان، اظهارات اردوغان مضحک، سخیف و بیش از مردم فریبی، تبلور خودفریبی است. نه مردم ساده اند و نه افکار عمومی جهان ساده است. با وجود سلطه و سیاست‌های هدفمندی که بر رسانه‌های جهانی اعمال می‌گردد، فضحات ناشی از سیاست‌های ترکیه و متحد آن عربستان در سال‌های اخیر به گونه‌ای بوده که همه نسبت به

نقش آنکارا و ریاض در تقویت داعش و ناامنی امروز خاورمیانه آگاهی داشته و به آن معترفند. واضح است، هر عقل سلیمی که به اظهارات سراسر تناقض اردوغان توجه نماید متوجه خواهد شد که اردوغان از دایره عقلانیت و منطق خارج شده است. این اظهارات رئیس

جمهوری است که با نقض حاکمیت ملی عراق به خاک این کشور تجاوز نموده و بغداد بخاطر این تجاوز و ورود غیرقانونی از آن به شورای امنیت سازمان ملل شکایت کرده است.

ایرانی که در یمن و عراق حضور نظامی ندارد، باید از این دو کشور خارج شده و عربستانی که متجاوز به یمن است باید مورد حمایت آنکارا قرار گرفته و اگر لازم باشد پشتیبانی گردد. اردوغان دچار تزلزل رفتاری و گفتاری شده است. وی در حالی که ایران را متهم به دخالت در منطقه می‌نماید هم خود از عربستان در یمن حمایت می‌نماید و هم علیرغم

مخالفت بغداد به عراق نیرو وارد کرده و به نقض حاکمیت ملی این کشور پرداخته است. خوی قلدری، توهم خودبرتربینی ناشی از شخصیت دیکتاتورمابی اردوغان، سبب شده وی به جای پرداختن به خویش، فرافکنی نموده و علناً اظهاراتی را نماید که بیشتر در نزد

مردم ترکیه و جهانیان رسوا گردد. کیست که نداند اردوغان خود هم اصلی ترین حامی داعش و هم متجاوز به حاکمیت ملی سوریه و عراق بوده و می باشد. تصور قلدر قاسم پاشایی از امر کشورداری، برگرفته از رفتارهای زورمدارانه نوجوانی وی در میدان‌های ورزشی و دعوای رخ داده میان دست فروشان و طافی‌های استانبول است.

توجه به ادبیات اردوغان در مخاطب قرار دادن رقیبا و مخالفان داخلی و خارجی نشان می‌دهد او از سیاست برداشت عامیانه داشته و فاقد ادبیات وزین، در قامت یک رئیس جمهور است. وی و تیمش هر کس که مخالف سیاست‌هایشان است را به تروریسم، دروغ و... متهم می‌نمایند این در حالی است که عملکرد اردوغان تبلور عینی تروریسم و رفتار

خارج از عقلانیت و عدالت است. شرايطی که رفتار غیرمعمول اردوغان در ترکیه و منطقه ایجاد کرده هر روز بیش از گذشته به سوی بحران غیرقابل کنترل پیش می‌رود. گویا اردوغان ماموریت دارد ترکیه و منطقه را به آتش اختلافات و بحران‌ها کشیده و زبان‌های غیرقابل جبران ایجاد نماید.

اردوغان در انتخابات و تشکیل دولت غیراتلافی موفق شد، اما امروز به بهای پیروزی در انتخابات مجلس، فضای امنیتی ترکیه چنان ناامن است که شرایط حاکم در مناطق کردی

صحنه یک جنگ داخلی را تداعی می‌نماید. هدف و کوچ دادن مردم بی دفاع، استفاده از تجهیزات سنگین نظامی، ورود تانک‌ها به شهرها، بکارگیری نیروی ویژه، اعلام حالت فوق العاده و اعتراف اردوغان به کشته شدن بیش از ۳۱۰۰ تن از مخالفان کرد این کشور در عرض پنج ماه گذشته خود گویای رفتار بی رحمانه اردوغان با اتباع خود است.

آمارهای تلفات درگیرهای اخیر ترکیه، بالا ترین آمار در قیاس با سال‌های مبارزه آنکارا با اکراد از ۱۹۸۴ تا امروز می‌باشد. تعمق و درک علل خشونت بکار گرفته در سیاست‌های داخلی ترکیه و ملاحظات مترتب بر این رفتار اردوغان، می‌تواند عامل کمک به علل رفتار حمایتی وی از مبارزان‌های عربستان و کشته شدن زنان و کودکان یمنی باشد. اردوغان

آنچنان دچار غرور کاذب شده که در تلاش برای تغییر سیستم پارلمانی به جمهوری در ترکیه، علناً از مدل هیتلر به عنوان یک الگو برای این کشور سخن رانده است. رایش سوم در خاورمیانه را، باید به نوعمانی گرای اردوغان ترجمه کرد. هیتلر در اروپا به دنبال فضای حیاتی بود و اردوغان امروز در خاورمیانه به رؤیای احیای میراث عثمانی می‌اندیشد. هیتلر

اروپا را به آتش کشید و امروز اردوغان خاورمیانه را به آتش کشیده است. همین خوی هیتلری اردوغان است که سبب شده وی و سیاست‌هایشان اصلیت‌ترین عامل ویرانی سوریه، ناامنی و بی ثباتی در عراق باشد. اردوغان دیروز با حمایت از داعش سبب وضعیت بحرانی در سوریه و عراق شده و امروز نیز با دروغ مبارزه با داعش و تجاوز به خاک عراق درصد

است در معادلات پیش رو جایگاه برتر یافته و از عنصر داعش با نام و پوششی دیگر در راستای مقاصد خویش بهره برداری کند. ابراز احساسات و اعتراضات او نسبت به کودکان و آزرگان سوری غرق شده در مدیریتانه را باور ننمایید. دغدغه اردوغان، دغدغه انسانی نیست زیرا او با رویکرد مذهبی به هدف تسلط سیاسی قاتل کودکان سوری، عراقی و پس از این

یمنی خواهد بود. تصور اردوغان آن است که با بحرانی که میان ایران و عربستان رخ داده موقعیت تهران ضعیف شده و وی می‌تواند با هر دیالوگی ایران را خطاب قرار دهد. اردوغان خود می‌داند

و اگر نمی‌داند بداند که در جنگ تحمیلی ایران نه با عراق بلکه با جهان جنگید و پادشاه استقامت آن عزتی بوده است که وی در حسرت آن است. سقوط صدام و تغییر معادله قدرت در عراق و تأثیرات ژئوپلیتیک آن مهم ترین عامل سیاست‌های سلبی و تخریبی ترکیه در سوریه و عراق بوده و هست. توافق برجام و تأثیرات

ژئوپلیتیک آن بر موقعیت ایران در جهان و منطقه، نگرانی مهم دیگری است که بطور جدی بر ابعاد نگرانی‌های اردوغان نسبت به ایران افزوده است. از دید اردوغان تغییر معادله قدرت در عراق به نفع ایران و حل بخش مهمی از اختلافات ایران با غرب و بطور مشخص با آمریکا پس از برجام، سبب خواهد شد در آینده ایران در معادلات منطقه ای با ارتقای

موقعیت خود سبب تضعیف جایگاه ترکیه شود. در منطقه هیچ کشوری از معادلات قابل حذف نیست اما همه کشورها با توجه به ظرفیت خود دارای تعریف می‌باشند. جنگ ایران و عراق تمام شد و همانگونه که منافع آن برای ترکیه تمام شد پس از این هم نباید دلخوش به عامل ماندگاری اختلاف ایران با غرب باشد. برداشت‌های غلط که حاصل

ذهنیت‌های بیمار است، به جای همکاری و تعامل کشورها در منطقه، به دنبال چالش و حذف می‌باشد. از دید ایران تحول عراق و توافق برجام همگی می‌تواند در خدمت صلح

و آرامش منطقه باشد. با حاکم نمودن عقلانیت در مدیریت و رهبری منطقه، می شود شرایط برد- برد را برای همه فراهم نمود. مقامات ایرانی تاکنون پاسخ اردوغان را نداده اند و این سبب گستاخی شده که اردوغان سطح انتقادهای خود را به بالا ترین سطح مقامات ما گسترش دهد. اخبار چند روز گذشته از رسانه های ترکیه حاکی از احضار سفیر ایران در اعتراض به رسانه های ایرانی بخاطر انتقاد از اردوغان بوده است. اردوغان باید درک نماید که پاسخش را نه مقامات ایرانی بلکه رسانه ها می دهند تا شاید حرمت همسایه داری و شیوه کشورداری را اردوغان از ایرانیان بیاموزد. سخن آخر آنکه بنظر می رسد اردوغان تغییر رفتار نخواهد داد. اگرچه ترکیه معادل اردوغان نیست اما فراموش نکنیم نیمی از مردم ترکیه به او رأی داده اند. اگر این روند ادامه یابد با توجه به آنکه احتمال می رود در روز ها و ماه های آینده مشکلات داخلی و خارجی اردوغان خصوصا در ارتباط با اکراد، سوریه و عراق افزایش یابد، پیش بینی می گردد که او برای جبران شکست هایش بیشتر به ایجاد بحران در روابط با ایران بپردازد. حاکم شدن بر احساس، مدیریت عقلانی روابط، روشننگری افکار عمومی مردم ایران، ترکیه و منطقه نسبت به رفتارهای خطرناک اردوغان و پیش بینی برای شرایط مختلف امری ضروری و اجتناب ناپذیر از سوی ایران است. حاکم نمودن عقلانیت و تعامل و شرایط نسبی برد-برد در خاورمیانه می تواند عامل کمک به عبور از این روزهای سخت باشد. در غیر این صورت باید در انتظار شرایطی باشیم که بیش از همه تأمین کننده منافع آمریکا و شریک راهبردی آن اسرائیل خواهد بود.